

خدمات متقابل اسلام و ایران

شاید اولین فرد مسلمان ایرانی، سلمان فارسی است که پیامبر بزرگوار اسلام (ص) درباره‌ی او فرمودند: «سلمان من اهل البیت».[?]

اسلام، آیین و قانونی است که متعلق به همه‌ی افراد بشر است و بر زبان خاصی تکیه نمی‌کند؛ بلکه هر ملتی با خط و زبان خود می‌تواند بدون هیچ مانع از آن پیروی کند. بنابراین اگر می‌بینید ایرانیان پس از قبول اسلام باز به زبان فارسی تکلم کردند، هیچ جای تعجب و شگفتی نیست.[?]

یکی از موفقیتهای اسلام این است که ملل مختلف با زبان‌ها و فرهنگ‌های گوناگون، آن را پذیرفته‌اند و هر یک به سهم خود و با ذوق و فرهنگ و زبان مخصوص خود، خدماتی کرده‌اند.

اگر زبان فارسی از میان رفته بود ما امروز آثار گران بها و شاهکارهای اسلامی ارزنده‌ای هم چون مشنوی، گلستان، دیوان حافظ، آثار نظامی و صدها اثر زیبای دیگر نداشتیم. در سراسر این آثار، مفاهیم اسلامی و قرآنی موج می‌زند و پیوند اسلام را با زبان فارسی جاودان می‌سازد.[?]

اکنون باید ببینیم آیا اسلام به ایران خدمت کرد یا نه؟ آیا اسلام روح تازه‌ای در پیکر ایرانی دمید و تاریخ ایران را در مسیر بهتری انداخت و سبب شد استعدادهای مردم این سرزمین بشکفتد و ثمر بدهد یا برعکس؟ آیا اسلام موجب شد که ایرانیانی عالی‌قدر در جهان علم و فلسفه و عرفان و هنر و صنعت و اخلاق ظهور کنند و بلند آوازه شوند و نامشان جهانگیر گردد؟[?]

پس از ظهور اسلام و تشکیل حکومت اسلامی و گرد آمدن ملل گوناگون در زیر پرچم اسلام، تمدنی عظیم و بسیار کم نظیر به وجود آمد که تاریخ، آن را به نام «تمدن اسلامی» می‌شناسد. در این تمدن، ملت‌های گوناگون از آسیا و آفریقا و حتی اروپا شرکت داشتند اما سهم عمده از آن ایرانیان است.

ایران در پرتو گرایش به اسلام هم دوش با سایر ملل اسلامی و پیشاپیش همه‌ی آن‌ها مشعل دار یک تمدن شکوهمند به نام تمدن اسلامی شد.[?]

اسلام، دروازه‌ی سرزمین‌های دیگر را به روی ایرانی و دروازه‌ی ایران را به روی فرهنگ‌ها و تمدن‌های دیگر باز کرد که دو نتیجه برای ایرانیان حاصل شد: یکی این که توانستند هوش و لیاقت و استعداد خویش را به دیگران عملاً ثابت کنند؛ به طوری که دیگران آن‌ها را به پیشوایی و مقتدایی پذیرند؛ دیگر این که توانستند سهم عظیمی در تکمیل و توسعه‌ی یک تمدن عظیم جهانی به خود اختصاص دهند.

استعدادهایی نظیر بوعلی، فارابی، ابوریحان، خیام، خواجه نصیرالدین توسی، ملاصدرا و صدها عالم طبیعی و ریاضی و مورخ و جغرافی‌دان و پزشک و ادیب و فیلسوف و عارف در این بنای عظیم فرهنگ اسلامی پرورش یافتند.

صمیمیت و اخلاص

ایرانیان خدمات بسیار شایانی به اسلام کرده‌اند و آن خدمات از روی صمیمیت و اخلاص و ایمان بوده است. از این جهت شاید ایرانیان در دنیا نظیر نداشته باشند؛ یعنی هیچ ملتی نسبت به هیچ دینی و آیینی این اندازه خدمت نکرده و صمیمیت به خرج نداده است.

خدمات ذوقی و هنری، نشان‌دهنده‌ی احساسات پاک و خالصانه‌ی ایرانیان است؛ زیرا سروکارش با عشق و ایمان است. شاهکارهای بشری، تنها و تنها با عشق و ایمان پدید می‌آیند. شاهکارهای هنری ایران در دوره‌ی اسلامی اعم از معماری، نقاشی، خوش‌نویسی و ... بیش‌تر در زمینه‌های دینی - اسلامی بوده است.

کنجینه‌های قرآن که در موزه‌های مختلف کشورهای اسلامی و غیراسلامی هست، اوج هنر ایرانی را در زمینه‌های اسلامی و در حقیقت، جوشش روح اسلامی را در ذوق ایرانی نشان می‌دهد.

ایرانیان در غیر ایران نیز آثار هنری و اسلامی زیادی به وجود آورده‌اند. در برخی کشورهای غیراسلامی که مسلمانان در اقلیت[?] اند، مانند هند و چین، آثار اسلامی زیادی هست که با دست ایرانیان به وجود آمده و سند اخلاص ایرانیان نسبت به اسلام است.

یکی از مظاهر خدمات ذوقی و فرهنگی ایرانیان به اسلام، خدماتی است که از راه زبان فارسی به اسلام کرده‌اند. ادبا و عرفا و سخنوران ایرانی حقایق اسلامی را با جامه‌ی زیبای شعر و نثر فارسی به نحو احسن[?] آرایش داده‌اند و حقایق اسلامی و معانی لطیف قرآنی[?] را در میان حکایاتی شیرین آورده‌اند. «مثنوی مولانا» بهترین شاهد برای سخن ماست.

شهید مرتضی مطهری